

## باز هم در باره شعار "حکومت انسانی"

رحمت خوشکدامن

ساده نگری اعضای حزب "حمید تقوانی" کار را بدانجا رسانده ، که چنین تصور کنند ، که هر چه بگویند و بنویسند می توانند دیگران را متقاعد سازند . حال آنکه روی زمینی که پا گذاشته اند آنقدر نرم است که هر چه بیشتر تلاش کنند بیشتر فرو می روند و اوج بی منطقی شان را بیشتر اثبات خواهند کرد .

من در مقاله قبلی ام به نوشته آقای سعید صالحی نیا پرداختم و توضیح دادم که این آقا حرفی برای گفتن و هیچ دلیل و برهانی برای اثبات اینکه - چرا شعار حکومت انسانی ؟ - ندارد . و نشان دادم که او در تنگنا قرار گرفته و خود نمیداند که چگونه از آن رهایی یابد .

از آن تاریخ تا کنون نوشته های متعددی از اعضای دیگر این حزب در سایت آزادی بیان آمده ، که همگی شان همان آهنگ گوش خراش آقای سعید صالحی نیا را به شکل دیگری می نوازند و هیچکدام از آنها دلیلی برای اثبات این شعار نمی آورند . البته هر کدام از آنها تلاش کردند که گوشه ای از موضوع را بگیرند و توضیح دهند . ولی تلاش شان جز سنبل کاری چیزی دیگری نبوده است . آنها روی مسائلی انگشت گذاشتند که هیچ ربطی به موضوع اصلی نداشت . حال چرا ؟ پاسخ به این سوال را به خود این آقایان واگذار می کنم و امیدوارم که نشان دهند که حرفی برای گفتن دارند و غیر از این می باشد .

در این نوشته که در واقع به نوعی دنباله همان نوشته قبلی ام است . همین نکته بالا را اثبات خواهم کرد .

از نوشته "نوید مینائی" شروع کنیم . او می گوید : " یک عده چنین به ما حمله می کنند که چرا انسانی شده ایم . احتیاج به توضیح دارد؟ .. و او خود پاسخ می دهد : " بله ما خیلی انسانی هستیم ! سیاست مان انسانی است ! کمونیسم مان انسانی است ! انقلاب مان انسانی برای حکومت انسانی است ؟ شما ناراحتید ؟ دادتان در آمد ؟ بنظر شما حکومت انسانی خلاف سوسیالیسم است ؟ ...

بحث برسر طرح شعار آلترناتیو "حکومت انسانی" است که این آقایان راه انداخته اند . او از ایده و انسانی بودن آن (سوسیالیسم) حرف می زند . دلایل او به آن ماند که یکی شعار برقرارباد حکومت خلقی را آلترناتیو حکومتی عنوان کند و در پاسخ به منتقدین بگوید که مگر حکومت آینده مان خلقی و طرفدار خلق و از خود خلق و مردمی نیست ؟

از اینروست که او در دنباله نوشته اش می گوید : " بنظر شما حکومت انسانی خلاف سوسیالیسم است ، خوب زنده باد به این سوسیالیسم و شما که با شنیدن حکومت انسانی جوش و کھیر میزند ! اگر بگویم بله انسانی هستیم ، خیلی هم افتخار می کنیم و شما از مر حله پرت هستید ، آنوقت فحاشی کرده ایم ؟ آیا حتی " فحش" های ما نیز انسان و در دفاع از انسان نیست ؟

انتظار بیهوده است . هرچه خواندن را ادامه می دهی ، می بینی که کلمه ای برای اثبات این شعار آورده نمی شود . همین موضوع باعث می گردد که تا آخر نوشته پیش روی و بخوانی ولی نشانی از آن نیابی . جز حرفهای مشابه ای که آوردم . البته او سعی می کند برای آن دلیلی بتراشد . خودتان گوش کنید : " ما چرا از اینجا شروع شده که حزب کمونیست کارگری جنبه انسانی سوسیالیسم را برجسته کرده است . "

بنابراین می توان گفت طرح شعار از نظر آقای نوید مینائی برای آن است که جنبه انسانی سوسیالیسم را برجسته کنند. نتیجه آنکه جنبه تبلیغی دارد و نه هیچ چیز دیگر .

آقای عزیز ! از اینکه سوسیالیسم ایده ای انسانی است ، شکی نباید داشت . ولی شما می خواهید دولت آلترا ناتیو را برای جامعه ای بنام ایران مشخص کنید . هر کمونیست اندک آشنای به متدلوژی مارکسیستی ، می داند که بدون تحلیل طبقاتی نمی توان به این مقصد رسید . مبنای حرکت کمونیستها تحلیل از اوضاع اقتصادی - اجتماعی - سیاسی است که از آن صف بندی طبقات و نیروهای انقلاب و ضد انقلاب نتیجه گیری می شود . و این چیزی نیست که بر اساس یک ایده و یک جنبه از مثبت بودن آن بتوان اتخاذ کرد .

آقای نوید مینائی ! بحث بر سر آلترا ناتیو حکومتی است . و این چیزی که شما شعارش را می دهید - (حکومت انسانی) - مفهومش مسموم کردن ذهن کارگران ایران است . این حداقل هیچ ربطی به مارکسیسم و تحلیل مارکسیستی ندارد .

گوش کنید که او چه می گوید : "شعار و سیاست حکومت انسانی یکی از خواصی که برای ما دارد اینست که صف ما را از این برداشت از سوسیالیسم و کمونیسم و انقلاب و طبقه کارگر جدا می کند ..."

این کاملاً درست است که شما با اتخاذ چنین شعاری صف خودتان را از صف طبقه کارگر ایران و نیز کمونیستها جدا کرده اید و بدنبال حکومت انسانی روانید . شما دیگر مبنای تحلیل تان انسان و ضد انسان است و راهتان اتحاد با نیروهای بورژوازی است . و با طرح این شعار ظرف بزرگی دستتان گرفته اید و حتی از تمام نیروهای اصلاح طلب در قدرت می خواهید که باورتان کنند که شما طرفدار حکومت انسان !! هستید و به شما پیبوندند . شما جامعه را به دو بخش انسان و غیر انسان تقسیم کرده اید و شعار حکومت انسانی تان نتیجه طبیعی این تقسیم بندی می باشد .

به نوشته دیگری از آنان گوش کنید : " اما من شکی ندارم که وقتی این شعار از قلب مردم بر می خیزد . چون بر دردهای عینی آنها دست می گذارد . برای مردمی که در خیابانهای تهران و شیراز و مشهد و غیره رو در روی رژیم سر تا پا مسلح قرار دارند ، چنین شعاری بسیار ملموس است ، شعاری که می توان به چشمهای دشمن نگاه کرد و آنرا فریاد زد . شعاری که دست به ریشه می برد . اینجاست که حزب کمونیست کارگری ایران با طرح شعار حکومت انسانی مهر خود را در این مرحله از مبارزات انقلابی مردم بر این انقلاب زد . انقلاب انسانی برای حکومت انسانی . بدل نشست و بیانگر خواست قلبی مردم بود .." ( از فرخ ناصری )

اومی گوید این شعار شعار توده های مردم است و از درون توده ها برخاسته است و حزب با تشخیص به موقع و طرح به موقع آن توانسته خواست قلبی مردم را بیان کنند . او بجای تحلیل طبقاتی ، تحلیل سانتی مانتال را جایگزین می کند و طبیعی است که از چنین تحلیل های نیز نمی توان انتظار دیگری داشت . او تصور می کند چون به دل توده ها نشست ( من فرض را بر آن می گذارم که چنین چیزی درست باشد ) پس درست است .

به نوشته آقای مجید آذری توجه کنید ، او برای رسیدن به نتیجه مطلوب سعی می کند که با ذهن خواننده بازی کند و موضوع را از شعار آزادی بی قید و شرط و غیره آغاز می کند . و بعد نیز نقل و قولی از مارکس می آورد و نتیجه می گیرد ، که هدف بر قراری جامعه بی طبقه است . تا اینجا با او اختلافی نیست . کمی پائین تر او به جوامع

طبقاتی که همه دستاوردهای بشری را پایمال کرده حمله می کند . با این موضوع نیز نمی توان اختلافی داشت . چیزی که غالب کمونیستها با آن توافق دارند . اختلاف با شما از آنجا آغاز می شود ، که شما برای رسیدن به چنین جامعه ای آلترناتیو دولتی تان حکومت انسانی است . و این از یک طرف و از طرفی دیگری برای جامعه کمونیستی و بی طبقه آینده نیز حکومتی انسانی را اختراع کرده اید .

خودتان گوش کنید : " کج فهمی از درک انسان و حکومت انسانی . در جوامع طبقاتی و از جمله سرمایه داری انسان نمایندگی نمیشود ، در نتیجه این جوامع ضد انسانی می باشند هدف کمونیستها این است که این جامعه سرمایه را تبدیل به یک جامعه انسانی کنند . "

می بینید ، مفهوم این گفتار آقای مجید آذری غیر از این است که او اعتقاد بر این دارد ، وقتی که جامعه طبقاتی از بین رفت و جامعه بی طبقه برقرار شد ، آغاز فاز جامعه انسانی است و این جامعه نیز دارای حکومتی است بنام حکومت انسانی !!

اما اصغر کریمی عکس آنرا می گوید : " مردم که جانشان از یک حکومت کثیف مذهبی به لبشان رسیده و حکومت سرکوبگرو ساواک شاهنشاهی را هم دیده بودند احساس امید و شغف کردند که بالاخره یک حزبی هست که می خواهد انسان را محور قرار دهد و حکومت انسانی غیر مذهبی و غیر قومی در این مملکت سر کار بیاورد ، آمدند و با شور و حرارت از ما دفاع کردند . حکومت انسانی محملی شد که عده بیشتری با کمونیسم ما ، با کل اهداف آزادیخواهانه ما ، با جمهوری سوسیالیستی و حکومت کارگری ما آشنا شوند .."

بنابراین او علت و هدف خود را در رابطه با طرح این شعار مطرح کرده و آن اینکه آلترناتیو حکومتی است که مبنای اتخاذ آن نیز ذهنیت توده ها می باشد . و نیز اینکه با این شعار ما می توانیم به مردم نزدیک شویم و به آنها بفهمانیم که حکومت سوسیالیستی و حکومت کارگری چیست ؟ یعنی حلقه ارتباطی مان با توده های مردم .

حال ببینیم کاظم نیکخواه چه می گوید : " هیچ چیز واقعی تر و دقیق تر از انسان نمی تواند خط مرز کمونیسم کارگری را با جمهوری بورژوازی و راست ترسیم کند . هر چه بر علیه ما در این زمینه بنویسند که حزب کمونیست کارگری انقلاب انسانی و حکومت انسانی و جامعه انسانی را شعار محوری خویش قرار داده است ، در حدی که مخاطبی داشته باشد . کار ما را راحت تر کرده اید ..."

او سپس از طریق اثبات اینکه بورژوازی همیشه ضد انسان بوده است می خواهد حقایق این شعار را ثابت کند . او می خواهد به دیگران بفهماند که بورژوازی چون منافع طبقاتی اش بر علیه انسان است ، این شعار نمی تواند شعار آنان باشد . و متعرض است که چرا منتقدین این شعار ، آنها را به بورژوازی وصل می کنند .

او می گوید : " کسی که فکر می کند کلمه انسان و حکومت انسانی عقب نشینی های در برابر جبهه بورژوازی است . دارد در روز روشن نادانی خود را جلوی چشم همه می گذارد و یا دارد عامدانه بورژوازی بغایت ضد انسانی امروز را انسانی جلوه می دهد ، بورژوازی همیشه ضد انسان بوده است ..."

آقای نیکخواه بورژوازی بنا به انگیزه اش که سود و انباشت سرمایه است ، نمی تواند کارکردش در مجموع ضد انسانی نباشد و این را از زمان پیدایش خود تا کنون به ثبوت رسانده . و در این نیز شکی نباید کرد که در بهترین و

دمکراتیک ترین دولت های بورژوازی نیز وقتی که پای منافع طبقاتی اش بخطر افتد ، بقول مارکس چنان جنگی راه می اندازد که ما تنها در برده داری می توانستیم شاهدش باشیم .. همه اینها درست . ولی این دلیلی بر آن نمی شود که بورژوازی نقاب انسان دوستی برچهره اش نزند . اتفاقاً دقیقاً همین موضوع ، موضع تبلیغاتی اش است . او از طریق تمام رسانه های که در اختیار دارد ، نهایت تلاشش بر این است که چنین وانمود کند که انسان دوست تر از او کس دیگری یافت نمیشود . و در واقع یکی از سلاحهای اصلی بورژوازی در مبارزه با طبقه کارگر و توده های زحمتکش همین است . هیچ دولت بورژوازی صرفاً از طریق تکیه بر ابزار سرکوب نیست که بتواند خود را تثبیت کند . بدست آوردن مشروعیت قانونی و سیاسی برای او اهمیت حیاتی دارد . جلب رضایت حکومت شوندهگان و یا حداقل بی تفاوتی و سکوت آنها برای بورژوازی مهم است . اگر کسی این را یاد نگیرد و چنین تصور کند که بورژوازی تنها با تکیه بر ابزار سرکوب ، قدرت حکومتی خود را سازمان می دهد و تثبیت می کند . هیچ شناختی از دولت و کارکرد آن ندارد . آقای نیک خواه باید این را بداند که بورژوازی احتیاج به پشتیبانی توده ها دارد . و برای رسیدن به چنین هدفی حتی دست به کارهای انسانی نیز می زند تا چهره انسانی به خود بگیرد . او فکر می کند چون بورژوازی، بورژوا وانگیزه اش ضد انسانی است نمی تواند شعار انسان دوستی دهد و چنین شعاری تنها از آن کمونیستهای مثل خودشان است .

تا اینجا دیدیم که هر کدام از آنها از زاویه های مختلف و حتی متضاد سعی کردند که برای این شعار توضیحی داشته باشند . تنها کسی که به حاشیه نمی رود و فلسفه بافی نمی کند آقای اسد گلچینی است که با صراحت اعلام می کند که هدف این شعار چیست . " تغییر شعاری در کار نیست و قرار مداری در این مورد که تصویب می شود و یا نمی شود هم معتبر نیست چرا که این حزب درست از زمان شروع -انقلاب جاری- شعار انقلابی انسانی برای حکومت انسانی که از نظر این حزب می توانست شعار همه شرکت کنندگان ( از موسوی و کروبی تا حزب کمونیست کارگری و امیال و آرزوهای طبقه متوسط جامعه ) در این انقلاب باشد را برای به پیروزی رساندن آن طرح کرد . این شعار برسر در نشریه جدید این دوران انقلابی -ندای انقلابی- رفت . تلویزیون انقلاب و رهبران و فعالین این حزب شعارشان در این انقلاب همین است . حمید تقوایی هم در وصف آن سیاست پراتیک شده خویش را اعلام کرد . این سیاست با همه اجزا آن باید به تصویب برسد . .."

می بینید بر خلاف حرفهای آقای نیک خواه و دیگران شعرا موسوی و کروبی و طبقه متوسط جامعه نیز است . و آقای اسد گلچینی با صراحت تو دهنی محکمی نیز به اراده جمعی می زند و حکم می دهد که تصویب می شود و یا نمی شود هم معتبر نیست . چرا که این حزب مدتهاست که این شعار را بر سر در نشریه جدیدش کوبیده است .

## سر آخر

سوسیالیسم از زمان پیدایش طبقات یکی از آرزوهای انسان بوده که در غالب ایده های متفاوت در حرکت ها و شورش های توده ای در تاریخ مبارزه طبقاتی نمایان شده است . تنها از اواسط قرن نوزدهم بود که از سوی مارکس و انگلس از تخیل به علم تبدیل می گردد . و از آن تاریخ به بعد فازی از جامعه بشری ترسیم شده که برای رسیدن به جامعه کمونیستی و بی طبقه باید از آن عبور کرد . و از آنجائیکه در جامعه کمونیستی دیگر طبقات از بین می رود و وجود ندارد ، دولت نیز ضرورت وجودی اش را از دست می دهد . نیروی محرکه این تحول نیز طبقه

کارگر است که خود را به صورت طبقه ای متشکل در قدرت سازما ندهی می کند . تفاوت اصلی سوسیالیسم مارکس با انواع و اقسام سوسیالیسم های تخیلی وخرده بورژوازی نیز در همین است . او خود در سال 1852 در نامه به دوستش وید یمیر چنین می گوید : " نه کشف وجود طبقات در جامعه کنونی و نه کشف مبارزه میان آنها هیچکدام از خدمات من نیست ، مدت ها قبل از من مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاد دانان بو رژوازی تشریح اقتصادی طبقات را بیان داشته اند . کار تازه ای که من کرده ام اثبات نکات زیرین است :

1-این که وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است .

2-این که مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دیکتاتوری پرولتاریا منجر می سازد .

3-این که خود این دیکتاتوری فقط گذاری است به سوی نابودی هر گونه طبقات و به سوی جامعه بدون طبقات . "

پس از گذشت پیش از 150 سال افرادی پیدا می شوند که می خواهند این موضوع را به کارگران بفهمانند ، که نه تنها برای این دوره گذار آلترناتیو حکومتی " حکومت انسانی " است ، بلکه در جامعه بی طبقه نیز دولتی باید وجود داشته باشد و آن نیز حکومت انسانی است . فرمول اختراعی این آقایان برای تمام مراحل جامعه بشری است .

بعضی از منتقدین شعار "حکومت انسانی" را به پوپولیسم وصل می کنند . حال آنکه این شعار از درک و دیدگاه پوپولیستی نیز عقب تر است . پوپولیسم یک تاریخچه مبارزاتی معینی را در تاریخ مبارزه طبقاتی به خود اختصاص داده است . و حتی در بعضی از مناطق و کشورها توانسته استحاله پیدا کند و با جنبش کارگری پیوند بخورد . ولی حکومت انسانی هیچ تاریخچه ای ندارد و از لحاظ ظرفی که در دست گرفته از آن گشاد تر و بزرگتر است . پوپولیسم طغیان خرده بورژوازی رادیکال بر علیه نظم سرمایه داری است . حال آنکه حکومت انسانی سازش با بورژوازی را تبلیغ می کند و از همه طیف های بورژوازی می خواهد که در این ظرف گل و گشاد شان شرکت کند . روشنفکر پوپولیسم ناآهانه تمایزات طبقاتی را به هم می ریخت ، ولی این گرایش آگاهانه می خواهد صف بندی طبقاتی را مخدوش کند . و طبقه کارگر را تشویق به سازش با بورژوازی می کند . این گرایش صف متحدین خود را از همین حالا مشخص کرده و از همه گرایشات بورژوازی از جمله از اصلاح طلبان در قدرت دعوت کرده که به صف آنها به پیوندند و حتی اعتقاد بر آن دارد که شعار حکومت انسانی شعار آنها نیز است .

و در یک کلام این شعار هیچ ارتباطی با منافع طبقه کارگر ندارد و باید از سوی جنبش کارگری و کمونیستی ایران افشاء گردد .

8/11/ 2009

17/آذرماه/1388

